



جلسه شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۰ مهر ۱۴۰۳ / عکس: سهام‌الدین پورقانی

دل‌گرم شده بودند. آقای بجنوردی در ابتدا قدرت مالی چندانی نداشت و فقط از روی همان سوابق خودش و دوستانش کمک‌هایی صورت می‌گرفت. ایشان دارای شرح صدر است؛ یک معنی‌اش این است که عصبانی نمی‌شود. این ویژگی انبیا است و در رده کم‌ترش برای افراد عادی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. آقای بجنوردی چنین است و اگر کسی درباره ایشان بد بگوید عصبانی نمی‌شود و تنها تعجب می‌کند. معنی دومش این است که تصمیمات بالا می‌گیرد. ایشان شرح صدر داشت که چنین ساختمان عظیمی را با دست خالی ایجاد کرد. چون خود این ساختمان و بدنه کبیر آن هزینه‌ای دارد که اداره‌اش کار ساده‌ای نیست. تأمین این هزینه بیش‌ترین نیرو را گرفت. البته همه اتاق داریم، و کتابخانه و سالن اجتماعات و سالن شورا داریم اما زحمتش بر عهده ایشان شد.

کردم ولی متأسفانه رأی داده شده بود و دیگر کاری نمی‌شد کرد. آن زمان هنوز دیوان عدالت تأسیس نشده بود که بتواند رأی را بشکند. به‌رحال نتوانستم برایش کاری بکنم اما سابقه آگاهی این موضوع را از آن برخورد داشتیم. البته سوابق آقای دکتر شرف را نداشتیم اما می‌دانستیم که ایشان هم اخراج شده است. البته دکتر سیدفتح‌الله مجتبائی و دکتر تفضلی هنوز عضو دانشگاه بودند. دکتر محمد مجتهدشستری دوره نمایندگی‌اش در مجلس اول تمام شده بود و در آن زمان هنوز عضو دانشگاه نشده بود.

آقای بجنوردی به دلیل داشتن سوابق عمیق انقلابی متهم به غیرانقلابی نمی‌شد؛ اگر دیگران این کار را می‌کردند، با مشکل روبه‌رو می‌شدند اما ایشان با شجاعتی که داشت از همان سوابق انقلابی‌اش استفاده کرد و این مطرودان را جمع کرد. این‌ها هم

وسعت دانشی را در قم ندیده بودم. آن افراد حاضر در قم دائرةالمعارف‌نویس نبودند. دائرةالمعارف‌خوان هم حتی نبودند. اکنون شاید بیشتر طلاب در خانه‌شان دهخدا یا دائرةالمعارف بزرگ اسلامی را داشته باشند اما آن‌روزگار چنین نبود و اگر به کتابخانه پدرم می‌رفتم، بحارالانوار و وسائل بود اما حتی یک دوره لغت‌نامه دهخدا در آن جا نبود.

من همان روز اول که پشت میز دائرةالمعارف آمدم، احساس کردم چندتن از بزرگان، اخراج‌شده‌های دانشگاه هستند. چون دکتر زریاب را در جریان بودم که چه ظلمی به ایشان شده بود. پیش از ورود به این‌جا، مرحوم دایی‌ام به من زنگ زد و گفت آقای دکتر زریاب می‌خواهد شما را ببیند؛ ایشان به سازمان بازرسی کل کشور آمد و گفت به اتهاماتی از دانشگاه اخراجش کرده‌اند و خلاصه از من خواست اقدام کنم؛ من تلاش

من دانشگاه را دیده بودم؛ آن زمان دانشجو بودم. فارغ‌التحصیل شدم، دفاع کردم و با استادان مختلفی در دانشگاه تهران از نزدیک ارتباط داشتم اما با آنان انسی نداشتیم، بلکه رابطه شاگرد و استاد بود. عالمان زیادی را هم در قم دیده بودم. اما وقتی به دائرةالمعارف آمدم با استادانی که نام بردم، به‌خصوص استاد عباس زریاب‌خویی آشنا شدم و احساس کردم آن بزرگواران حاضر در قم، اکثرشان به دانش‌هایی محدود یا مواردی چون فقه، اصول و فلسفه محدود بودند. وقتی شخصیت‌هایی مثل مرحومان زریاب و شرف‌الدین خراسانی و احمد تفضلی را دیدم که به چند زبان عربی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی تسلط دارند، حیرت کردم. از سویی به‌دلیل دائرةالمعارف‌نویس بودن این افراد، نوعی وسعت دانش را در آن‌ها دیدم که برایم جالب بود. چنین

درباره شرح صدر نسبت به جذب اخراج‌شدگان دانشگاه در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

شجاعت انقلابی



سیدمصطفی محقق داماد

سرپرست علمی دانشنامه حقوق ایران، مدیر بخش حقوق و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

درباره نقش «عنایت‌الله مجیدی» در اعتلای کتابخانه

مرکز دائرةالمعارف اسلامی

مجموعه کم‌نظیر کتابی و غیر کتابی



پارکوهی هارطونیان

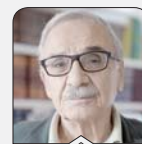
مسئول بخش فهرست‌نویسی کتاب‌های لاتین کتابخانه مرکز دائرةالمعارف اسلامی

کتابخانه مرکز دائرةالمعارف اسلامی در سال ۱۳۶۳ تأسیس و یک‌سال بعد، آقای عنایت‌الله مجیدی به ریاست کتابخانه منصوب شد. پیش از آن سال‌ها کتابدار کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران بود که دوازده سال آن همراه بود با ریاست آن کتابخانه. پس با احاطه کامل به امور کتابخانه تصدی کتابخانه مرکز را پذیرفت. طی سال‌ها عضویت در کتابخانه الهیات با اساتید و چهره‌های فرهنگی گران‌قدری آشنایی پیدا کرده بودند که این مهم موجب شد تا معرفی کتابخانه مرکز درک مثبتی در ایشان به وجود آورد و از همین راه آنان که اراده کرده بودند تا محل مناسب و قابل اعتمادی برای منابع کتابی و غیرکتابی خود بیابند، کتابخانه مرکز را ترجیح دهند.

علاوه بر دریافت مجموعه‌های شخصی به‌صورت اهدا، از راه‌ها و روش‌های دیگر نیز بر موجودی کتابخانه مرکز افزوده می‌شد، مانند خرید مجموعه‌های خصوصی، خرید کتاب از ناشران و نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب، تهیه کتاب و نشریات خارجی، خرید کتاب توسط نمایندگان کتابخانه، که همه این‌ها از داخل و خارج کشور انجام می‌شدند و همین‌طور خرید کتاب توسط آقای مجیدی در سفرهایی که به لبنان، سوریه، ترکیه، پاکستان و هند داشته است. درباره اهمیت کتابخانه مرکز، باید بگویم به نظر من اهمیت کتابخانه مرکز به‌واسطه مجموعه کم‌نظیر کتابی و غیرکتابی آن است که آن را تبدیل به یک مرکز پژوهشی و یکی از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های تخصصی کشور کرده است.

التفاتی به گستردگی کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

از علوم انسانی و اجتماعی تا فنون محض و پزشکی و فنی



عباس مافی

مسئول بخش فهرست‌نویسی کتاب‌های شرقی و معاون فنی کتابخانه مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی

بیش از نیم‌سده است که در کتابخانه‌ها فهرست کتاب‌های شرقی می‌نویسم و امیدوارم روزی کتابخانه‌ها مکمل یکدیگر باشند تا رقابت‌های چندی و چونی. کتاب‌های این‌جا از بسیاری جهات می‌توانند به پژوهشگران یاری رسانند به‌ویژه در زبان عربی و زبان‌های خارجی دیگر که فهرست‌نویسی شده‌اند در نتیجه قابل‌بازبینی‌اند. همین‌جا باید بدون تعارف از تلاش‌های آقای مجیدی در فراهم‌آوری این مجموعه‌ها قدر دانی شود که همچنان در این امر کوشا هستند.

کتابخانه‌های دیگر هم بنا به نوع فعالیت آن‌ها منابع متنوع کم ندارند چنان‌که کتابخانه ملی، کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌ها، آستان قدس، مرعشی و... کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در آن‌جا مشغول بودم برای ۱۸ دانشکده با تخصص‌های گوناگون کتاب آماده سرویس‌دهی داشت و کتاب‌های سرگرمی اوقات فراغت دانشجویان را هم به آن اضافه کنید. ولی وجه تمایز کتابخانه مرکز این است که کسی انتظار چنین کتابخانه‌ای در زمینه علوم انسانی و اجتماعی در زبان‌های مختلف ندارد با این توضیح که حتی در زمینه‌های علوم محض، پزشکی، کشاورزی و فنی هم کتاب دارد که جنبه تاریخی این کتاب‌ها مراجعه‌کننده بیش‌تری دارد. به‌دلیل این وجه تمایز گفته شد که معمولاً دائرةالمعارف‌ها فاقد کتابخانه با این گستردگی هستند. توجه می‌دهم که مجموعه‌های هدایی مرحوم ایرج افشار به لحاظ اسناد و مدارک ایران‌شناسی که دارد در تمام ایران و خارج از ایران کم‌نظیر است.